

خشونت علیه دگرباشان جنسی

خشونت‌هایی که ریشه در دگرباش‌ستیزی دارند مساله‌ای است که از تمام مناطق جهان گزارش شده است. این خشونت‌ها دامنه وسیعی دارند؛ از فشارهای روانی مستمر گرفته تا ضرب‌وشتم فیزیکی و شکنجه و آدم‌ربایی و قتل‌های از پیش برنامه‌ریزی شده. خشونت‌های جنسی نیز به طور گسترده‌ای گزارش شده‌اند، از جمله تجاوزهای موسوم به تجاوزهای «اصلاحی» یا «تنبیهی»، که در آن مردان به بهانه تلاش برای «درمان» دگرباشی جنسی زنان، به زنان لژیین تجاوز می‌کنند. خشونت در مکان‌های مختلفی از جمله در کوچه و خیابان، پارک‌های عمومی، مدارس، محل کار، در منزل شخصی افراد و در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های پلیس، اتفاق می‌افتد. همچنین این خشونت ممکن است خودجوش و یا سازمان‌یافته، توسط افراد غریبه و یا توسط گروه‌های افراطی انجام شود. از مشخصه‌های مشترک بسیاری از جنایاتی که به خاطر تنفر از دگرباشان جنسی صورت می‌گیرد، شدت بالای بی‌رحمی آنها است: به عنوان مثال، اجساد قربانیان در حالی یافت می‌شود که بدن آنها در معرض قطع عضو، آتش زدن و سوختن، اخته کردن و یا تجاوز جنسی قرار گرفته است. افراد تراجنسی، به ویژه روسپی‌ها و آن‌هایی که در بازداشت هستند، بیشتر در معرض خشونت‌های مرگ‌بار و بسیار بی‌رحمانه قرار می‌گیرند.

موارد شکنجه و بدرفتاری‌ها علیه دگرباشان جنسی «لژیین‌ها، گی‌ها، دوجنس‌گرایان و تراجنسی‌ها» به طور گسترده‌ای مستندسازی شده است. اغلب، شکنجه در مکان‌هایی مانند بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها رخ می‌دهد. در این اماکن، دگرباشان جنسی ممکن است توسط افسران پلیس، زندانبان‌ها و یا سایر هم‌بندان خود، بدون اینکه از سوی پلیس مداخله‌ای صورت گیرد، مورد تهاجم قرار گیرند. برخی از درمان‌های پزشکی که به زور به افراد تحمیل می‌شود نیز می‌تواند عملاً نوعی شکنجه باشد. از جمله این موارد می‌توان به معاینه مقعد مردان همجنس‌گرا برای «اثبات» همجنس‌گرایی آن‌ها، عقیم کردن ناخواسته افراد تراجنسی و شوک‌درمانی الکتریکی برای «تغییر» گرایش جنسی افراد اشاره کرد.

توسل به خشونت بخاطر جنسیت افراد

حمله به افراد بخاطر گرایش یا هویت جنسی آنها، عموماً به قصد تنبیه کسانی که هنجارهای جنسی رایج را زیر پا می‌گذارند صورت می‌گیرد. چنین حملاتی را میتوان بروز خشونت بخاطر جنسیت افراد تلقی نمود. لازم نیست افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، تراجنسی و یا دوجنسی باشند تا مورد حمله قرار گیرند؛ همین‌قدر که گمان رود فردی همجنس‌گرا و یا تراجنسیتی است برای در معرض خطر حمله قرار گرفتن وی کافی است.

اطلاعات آماری

اطلاعات رسمی جسته و گریخته‌ای از خشونت‌هایی که ریشه در دگرباش‌ستیزی دارند وجود دارد و این آمار و ارقام رسمی بندرت منتشر شده است. تنها کشورهای معدودی، سازوکارهای مناسبی برای نظارت، ضبط و گزارش جنایاتی دارند که برخاسته از تنفر از دگرباشان جنسی است. حتی در جایی که چنین سیستمی وجود داشته باشد، ممکن است قربانیان به پلیس اعتماد کافی نداشته باشند و برای بیان مشکلات خود یا پیش‌نگذارند. حتی خود پلیس هم ممکن است آموزش کافی برای شناخت و ثبت انگیزه خشونت‌ها را نداشته باشد. با این حال، با کنار هم قرار دادن آمارهای محدود منتشر شده از سوی دولت‌ها و تکمیل آن آمارها با گزارش‌هایی که از منابع دیگر به دست آمده‌اند، تصویر کاملی از خشونت‌های بی‌رحمانه‌ای که اغلب بدون مجازات باقی می‌ماند، بدست می‌آید.

مسئولیت دولت‌ها

تمامی کشورها تحت قوانین بین‌المللی وظیفه حفاظت از حقوق دگرباشان جنسی را دارند. حقوقی که شامل بر حق زندگی، حق امنیت فردی، حق رهایی از شکنجه و حق رهایی از بدرفتاری می‌شوند. دولت‌ها همچنین وظیفه اکید دارند تا اقداماتی موثر به منظور جلوگیری از قتل‌هایی که با انگیزه‌ی نفرت صورت می‌گیرند، انجام دهند، مانع حملات خشونت‌آمیز و شکنجه گردند، در مورد تمامی جنایات بررسی سریع و کامل انجام داده و افراد مسئول را به پیشگاه عدالت بسپارند.

گام‌های اجرایی

دولت‌ها موظف هستند تا:

- به تحقیق، تعقیب و مجازات عاملان قتل‌های هدفمند بپردازند.
- قوانینی علیه جرایمی که با انگیزه‌ی نفرت صورت می‌گیرند تصویب کنند تا از خشونت به خاطر گرایش و هویت جنسی افراد جلوگیری شود.
- سازوکارهایی برای ثبت و گزارش خشونت‌های ناشی از نفرت ایجاد کنند.
- آموزشی‌های مناسبی را به منظور بالا بردن سطح آگاهی نیروهای انتظامی، زندانبانان، قضات و سایر کارکنان بخش‌های امنیتی انجام دهند.
- برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی عمومی را برای مقابله با نگرش‌های دگرباش‌ستیزانه و نیز ارتقای ارزش‌هایی چون تنوع اجتماعی و احترام متقابل مورد به اجرا بگذارند.

شما، دوستان شما و افراد دیگر هم می‌توانید تاثیرگذار باشید:

- اطمینان حاصل کنید که شما و کسانی که در اطراف شما هستند خشونت دگرباش‌ستیزانه را به هیچ شکلی، از جمله به صورت تهدید لفظی و پرخاش کلامی، تحمل نمی‌کنید.
- تمامی این خشونت‌ها را، حتی زمانی که مستقیماً به شما مربوط نمی‌شود، علناً محکوم نمایید و آنها را گزارش دهید.
- با ارسال ایمیل به نشانی urgent-action@ohchr.org یا بخش سازوکارهای ویژه حقوق بشر در سازمان ملل متحد مکاتبه کرده و این موضوع را به آنها اطلاع دهید.

مثال‌هایی از حوادث خشونت‌باری که توسط دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است

ست والشی زمانی که خود را در باغ خانه‌اش در شهر تهاچاپی ایالت کالیفرنیا به دار آویخت، تنها ۱۳ سال داشت. تصمیم غم‌انگیز او برای پایان دادن به زندگی خود پس از سال‌ها تحمل متلک‌های همجنس‌گراستیزانه و طعنه‌های همسالان خود بود. ماجرای ست منحصر به فرد نیست: در همان ماهی که او درگذشت، حداقل پنج پسر نوجوان دیگر در ایالات متحده پس از مواجهه با زورگویی‌های همجنس‌گراستیزانه، دست به خودکشی زدند.

دانیل زامودیو، مرد ۲۴ ساله همجنس‌گرا، در نتیجه صدمات شدید بدنی، طی یک حمله شرورانه توسط گروهی که ادعا می‌شد نئونازی باشند، در پارکی در سانتیاگو درگذشت. گفته می‌شود مهاجمان ساعت‌ها او را شکنجه داده بودند. به عنوان مثال، روی بدن دانیل سیگار افروخته چسباندند و صلیب شکسته حک کردند. چهار مظنون در این رابطه دستگیر و رسماً متهم به قتل دانیل شدند. برخی از دستگیرشدگان سوءسابقه کیفری در زمینه حمله به مردان همجنس‌گرا داشتند. دادستان اعلام نمود که معتقد است این تعارض به وضوح با انگیزه همجنس‌گراستیزی انجام شده است. در پی این حمله که موجی از اعتراضات عمومی و مناظرات ملی را به همراه داشت، قوانین جدیدی برای مجازات تبعیض علیه همجنس‌گرایان و جنایات از روی انگیزه‌های همجنس‌گراستیزانه به تصویب رسید.

سونیتا (نام مستعار)، زنی تراجنسیتی (متی) است که در کاتماندو توسط پلیس دستگیر شد. ادعا شده است که پس از اینکه وی به دفتر پلیس محلی برده شد، به صورت لفظی مورد آزار قرار گرفت و سپس از او خواستند تا برهنه شود. طبق گزارش‌ها، وقتی او از این درخواست سر باز زد، ماموران پلیس لباس‌های او را به زور از تنش‌کنند و درحالی که مسخره‌اش می‌کردند، به اندام تناسلی او دست زدند و تهدیدش کردند که موهایش را برای مجازات به خاطر پوشیدن لباس زنانه، قیچی خواهند کرد. او روز بعد آزاد شد. در این کشور، به طور مستمر حوادث مشابهی از آزار و اذیت تراجنسیتی‌ها توسط پلیس، از جمله ضرب و شتم فیزیکی و پرخاش کلامی، گزارش می‌شود.

ناکسالو نوگ وُزا، فعال زن حقوق دگرباشان جنسی آفریقای جنوبی، زمانی که در شهرک کواتما در نزدیکی ژوهانسبورگ مورد تجاوز قرار گرفت و کشته شد، تنها ۲۴ سال سن داشت. سر و صورت او به دلیل سنگسار، متلاشی شده بود. همچنین با شکسته‌های شیشه، ضربات متعددی به او وارد کرده بودند. این گمان می‌رود که حمله به وی، از آنجایی شروع شد که مهاجم‌ها تلاش کردند به دوست دختر او پیشنهاد آمیزش جنسی دهند. مردمی که در نزدیکی صحنه قتل زندگی می‌کردند، گزارش دادند که صدای فریاد مردان را در زمان نزدیک به حمله شنیده‌اند که می‌گفتند: «ما شما را از شر همجنس‌گرایی‌تان خلاص می‌کنیم.» بیشتر از دو هزار نفر در مراسم تشییع جنازه ناکسالو شرکت کردند. خیلی از آنها خشونت همجنس‌گراستیزانه را محکوم کردند و خواستار پایان بخشیدن به تجاوز به زنان همجنس‌گرا شدند که به قصد به اصطلاح «اصلاح» یا «تنبیه» آنها انجام می‌گیرد.

پاولین کیمانی، از فعالان حقوق زنان همجنس‌گرا در شهر نایروبی در کشور کنیا، در یک برنامه تلویزیونی حضور یافت تا در مورد همجنس‌گرایی سخن گوید. چند هفته پس از این مصاحبه، او مکرراً در خیابان و در سایر اماکن عمومی مورد آزار و اذیت‌های لفظی قرار گرفته بود و آن‌طور که از گزارش‌ها برمی‌آید، توسط گروهی از مردان، تعقیب و تهدید به تجاوز شده بود. همچنین او توسط نامه‌ای که بیرون منزلش گذاشته شده بود، به مرگ تهدید شد.

در کشور هندوراس، شهر کامپاگوئلا، جسد **لورنزا الکسیس آلوارادو هرناندز**، یک زن ۲۳ ساله تراجنسیتی، درون یک گودال پیدا شد. بدن او آشکارا مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سوخته بود. سنگ‌های خونی نزدیک جسد او نشان می‌داد که کبودی‌های روی بدنش ناشی از سنگسار است. بدن او به آتش کشیده شده بود. کاندوم‌های استفاده شده، همچنین نشان می‌داد که وی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بوده است. صدمات شدید به صورتش، جسد او را تقریباً غیرقابل شناسایی کرده بود.

واکنش خشونت‌آمیز به برابری جنسیتی؟

در چندین کشور، مقامات متوجه شدند که بلافاصله پس از تصویب و اجرای پر سر و صدای قوانینی که هدف آنها حفاظت بهتر از حقوق دگرباشان جنسی بوده است، میزان خشونت‌های دگرباش‌ستیزانه شدیداً افزایش یافته است. این امر پدیده‌ای تاریخی است که در گذشته نیز بارها رخ داده است: تلاش‌هایی که در گذشته برای از بین بردن تبعیض و نابرابری نژادی صورت گرفته، ظاهراً باعث بروز واکنش‌های منفی شدیدی علیه اقلیت‌های نژادی گردیده است. این مسئولیت حکومت‌هاست که نه تنها با تبعیض مقابله کنند، بلکه برای اقشار مختلف جامعه روشن سازند که چرا باید با این اقدامات مقابله کرد و اطمینان حاصل کنند که اقداماتی مناسب برای جلوگیری و نیز پاسخ‌گویی فوری و موثر در مقابل خشونت انجام خواهد گرفت.

قوانین بین‌المللی در مورد این جرم‌انگاری چه می‌گویند؟

در پرونده تونن علیه دولت استرالیا (Toonen v Australia) در سال ۱۹۹۴، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تایید کرد قوانینی که همجنس‌گرایی را جرم می‌شمارند، حق حریم خصوصی و حق رهایی افراد از تبعیض را نقض می‌کند، امری که ناقض تعهدات قانونی دولت‌ها تحت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. علاوه بر این، اجرای قوانین ضد همجنس‌گرایی، ممکن است ناقض حق رهایی از دستگیری و بازداشت‌های خودسرانه نیز باشد.

علاوه بر این دولت‌هایی که روابط همجنس‌خواهانه بین دو فرد بالغ و مختار را مستحق مجازات مرگ می‌دانند، ناقض حق حیات مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشرند. اعدام، مجازاتی قانونی برای جرائم مربوط به همجنس‌گرایی در ایران، موریتانی، عربستان سعودی، سودان و یمن است و ممکن است چنین مجازاتی در دادگاه‌های مذهبی در برخی مناطق سومالی و نیجریه نیز به کار گرفته شوند.

آنهايي که معتقدند همجنس‌گرایی را باید در زمره جرائم تلقی نمود، بارها در متقاعد کردن کمیته حقوق بشر سازمان ملل در مورد ادعاهای خود ناتوان مانده‌اند. ادعایی که بموجب آن، جرم شمردن این روابط، پاسخی «معقول» و «متناسب» در برابر مجموعه به اصطلاح تهدیداتی است که از این ناحیه متوجه سلامت و رفاه عمومی است. در عوض، کمیته بر تاثیر زیانبار این جرم‌انگاری بر سلامت عمومی، از جمله در زمینه پیشگیری و درمان اچ‌آی‌وی / ایدز تاکید کرده است. (پایین را ببینید)

در حالی که کشورهای جهان، فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوتی از یکدیگر دارند و همچنین نگرش عمومی جوامع بسیار متفاوت با یکدیگر است، تاکید بر جهان‌شمول بودن قوانین بین‌المللی حقوق بشر، نیازمند همکاری تمامی دولت‌ها است. اینگونه، صرف نظر از ارزش‌های فرهنگی و سنتی غالب، باورهای دینی و افکار مردم، می‌توان برای حفاظت از حقوق بشر گام برداشت.

جرم شمردن روابط همجنس‌خواهانه

دست‌کم در ۷۶ کشور جهان، قوانین تبعیض‌آمیزی وجود دارد که روابط خصوصی و رضایت‌مندانه بین دو فرد همجنس را جرم می‌شمارد. این قوانین میلیون‌ها نفر را در معرض دستگیری، محاکمه و زندان و حتی - در حداقل پنج کشور جهان - مجازات اعدام قرار می‌دهد.

جرم شناختن روابط همجنس‌خواهانه که با رضایت طرفین صورت گیرد، ناقض حق حریم خصوصی و حق رهایی از تبعیض برای افراد است (که هر دو از حمایت و حراست قوانین بین‌المللی برخوردارند) و دولت‌ها با این جرم‌انگاری، تعهد خود نسبت به حفاظت از حقوق بشر همه مردم، صرف نظر از گرایش یا هویت جنسی آنها را آشکارا نقض می‌کنند.

این قوانین به طور معمول، انواع مشخص دیگری از رفتارهای عشقی و جنسی بین افراد همجنس را ممنوع اعلام می‌کند. در برخی موارد، قانون مبهم و نامشخص نوشته شده است. برای نمونه، این قوانین به مفاهیمی نظیر «فسق»، اعمال خلاف «اخلاق» یا جنایت علیه «نظم طبیعت» اشاره می‌کنند. برخی از دولت‌ها تنها رفتار جنسی بین «مردان» همجنس را جرم می‌شناسند، در حالی که برخی دیگر، رفتار جنسی بین افراد همجنس را (چه زن و چه مرد) غیر قانونی می‌دانند. در اکثر موارد، این قوانین در قرن ۱۹ میلادی، توسط قدرت‌های استعماری وقت بر کشورهای تحمیل شده است. برای نمونه، بسیاری از قوانین امروزی مورد استفاده برای مجازات مردان همجنس‌گرا در آفریقا و کشورهای حوزه کارائیب، در واقع در عصر ملکه ویکتوریا در لندن نوشته شده است.



سازمان ملل متحد بارها در مورد جرم شناختن روابط همجنس‌خواهانه ابراز نگرانی کرده است. جرم شناختن این روابط، علاوه بر نقض حقوق اساسی افراد، باعث مشروعیت بخشیدن به پیش‌داوری و تعصب در سطح جامعه شده و مردم را در معرض جرائم ناشی از نفرت، سوءاستفاده پلیس، شکنجه و خشونت خانوادگی قرار می‌دهد.

همانطور که سازمان جهانی بهداشت (WHO) و برنامه مشترک سازمان ملل متحد در مورد اچ‌آی‌وی/ایدز (UNAIDS) نشان داده‌اند، این جرم‌انگاری اثر نامطلوبی بر سلامت عمومی، به خصوص در تلاش برای جلوگیری از گسترش اچ‌آی‌وی دارد. به عنوان مثال برخی افراد (مخصوصاً آنهایی که بیشتر در معرض این عفونت‌ها قرار دارند) به خاطر ترس از اینکه مجرم پنداشته شوند، برای آزمایش و درمان اقدامی نخواهند کرد. همچنین کسانی که به دفاع از حقوق بشر دگرباشان جنسی مشغول هستند، در معرض خطر حمله، ارباب و تهدید قرار می‌گیرند.

این جرم‌انگاری همچنین انگیزه‌ای می‌شود برای ایجاد تبعیض بیشتر علیه کسانی که با لباس یا رفتار متفاوت خود، هنجارهای جنسی سنتی جامعه را به چالش می‌کشند. حوادث بسیاری برای افرادی که به خاطر پوشش، رفتار و طرز حرف زدنشان دستگیر شده یا مورد حمله واقع شده‌اند، ثبت شده است.

با توجه به گستردگی دگرباش‌ستیزی، دولت‌ها باید هرچه سریعتر به وظایف قانونی خود برای محافظت و رفع خشونت و تبعیض از دگرباشان جنسی، جامه عمل بپوشانند. لغو قوانینی که رفتار همجنس‌خواهانه را جرم می‌شناسد و قوانین دیگر که برای مجازات دگرباشان جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، گامی مهم در جهت حفاظت از زندگی افراد و مبارزه با تعصب است.

دولت‌ها موظف هستند تا:

- قوانینی که روابط همجنس‌خواهانه بین دو فرد بالغ را (که با رضایت شخصی‌شان و در خلوت خصوصی آنها رخ می‌دهد) جرم می‌انگارد و قوانین دیگری را که برای مجازات افراد به خاطر گرایش و هویت جنسی‌شان استفاده می‌شود، لغو کنند؛ چرا که این قوانین در تناقض با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر هستند.
- همه کسانی را که در حال حاضر، به دلیل روابط همجنس‌خواهانه مبتنی بر رضایت طرفین در بازداشت هستند، آزاد کنند.
- در جاهایی که لازم است، قوانین مربوط به سن رضایت فرد برای داشتن رابطه جنسی، اصلاح شوند؛ چرا که سن رضایت به داشتن رابطه جنسی، باید برای روابط همجنس‌خواهانه و دگرجنس‌گرایانه، یکسان باشد.
- اطمینان حاصل کنند که افراد به زور در معرض معاینات پزشکی اهانت‌آمیز به منظور تعیین گرایش جنسی خود قرار نمی‌گیرند.

شما، دوستان شما و افراد دیگر هم به نوبه خود موثر باشید:

- زمانی که اطرافیان شما به دلیل هویت یا گرایش جنسی‌شان دستگیر شده یا به زندان انداخته می‌شوند، علیه این وضعیت اعتراض کنید.
- اگر شما در کشوری زندگی می‌کنید که همجنس‌گرایی را جرم می‌شمارد، به دولت و یا قانون‌گذارهای کشور خود نامه بنویسید و مصرانه از آنها بخواهید که اصلاحات لازم را در جهت انطباق قوانین ملی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر انجام دهند؛ قوانین بین‌المللی که جرم شمردن روابط جنسی خصوصی همجنس‌خواهانه مبتنی بر رضایت طرفین را منع می‌کند. برای ابراز حمایت از این اصلاحات، به روزنامه‌ها نامه بنویسید و در بحث‌های آنلاین شرکت کنید.
- اگر دوستان شما یا اعضای خانواده‌تان و یا حتی خود شما، به اتهام داشتن روابط همجنس‌خواهانه مبتنی بر رضایت طرفین، دستگیر و بازداشت شده‌اید، با ارسال ایمیل به نشانی urgent-action@ohchr.org با بخش روش‌های ویژه حقوق بشر در سازمان ملل متحد مکاتبه کرده و این موضوع را به آنها اطلاع دهید.

برابری و رهایی از تبعیض

برابری و رهایی از تبعیض، از زمره اصول پایه‌ای قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌شمار می‌روند. همه انسان‌ها، بدون هیچ‌گونه تمایزی، حق برخورداری از تمامی موارد قید شده در قوانین حقوق بشر را دارند. از جمله، هر فردی دارای حق برابری در مقابل قانون و حق رهایی از تبعیض بخاطر عوامل مختلف، از جمله گرایش و هویت جنسی است.

قوانین و سیاست‌های تبعیض‌آمیز

قوانین و سیاست‌های دولتی - یعنی قوانین و سیاست‌هایی که باید محافظ هر انسانی در برابر تبعیض باشند - منبع تبعیضی مستقیم و غیرمستقیم، برای میلیون‌ها نفر از مردان و زنان همجنس‌گرا، افراد دوجنس‌گرا، دوجنسی و تراجنسی (دگرباشان جنسی) در سراسر جهان شده‌اند. در بیش از یک سوم از کشورهای جهان، روابط خصوصی مبتنی بر رضایت طرفین همجنس، جرم محسوب می‌شود. این قوانین، حق داشتن حریم خصوصی و حق رهایی از تبعیض را - که توسط قوانین بین‌المللی تضمین شده‌اند - نقض کرده و افراد را در معرض خطر دستگیری، محاکمه و زندان قرار می‌دهند. همچنین حداقل در قوانین پنج کشور جهان، مجازات اعدام جان دگرباشان جنسی را تهدید می‌کند. نمونه‌های دیگری از اقدامات تبعیض‌آمیز علیه دگرباشان جنسی عبارت است از ممنوعیت استخدام آنها در بعضی مشاغل خاص، محدودیت‌های تبعیض‌آمیز در زمینه حق آزادی بیان و حق تجمع آنها در مجامع عمومی و نیز عدم برسمیت شناختن قانونی رابطه همسری میان زوج‌های همجنس‌گرا است. بسیاری از دولت‌ها، افراد تراجنسی را مجبور به عقیم‌سازی می‌کنند و تنها بر اساس این عمل جنسیت آنان را به رسمیت می‌شناسند و مدارک هویتی در اختیار آنان قرار می‌دهند. افراد تراجنسی فاقد کارت شناسایی مجبور به زندگی در حاشیه جامعه بوده و از دسترسی به بازار کار، خدمات بهداشتی و درمانی، آموزش و پرورش و دیگر حقوق اساسی خود محروم می‌شوند.

هرگز نگوییم «همجنس‌گرا» هستیم؟

مجموعه‌ای از قوانین و لوایحی که در بخش‌هایی از اروپای شرقی و آفریقا با هدف منع «تبلیغ و اشاعه همجنس‌گرایی» مطرح گردیده است، آزادی بیان را به خطر می‌اندازد. گروه‌های دگرباشان جنسی در این کشورها، اغلب با محدودیت‌های تبعیض‌آمیز و ممنوعیت برگزاری تجمعات عمومی روبرو هستند. راهپیمایی غرور دگرباشان جنسی (ال‌جی‌بی‌تی پراید) در برخی شهرها ممنوع اعلام شده است و در برخی دیگر از شهرها که در آن راهپیمایی برگزار شده است، مقامات اقداماتی موثر برای حفاظت از شرکت‌کنندگان در راهپیمایی انجام نمی‌دهند که این امر راه را برای انجام حملات خشونت‌بار گروه‌های نئونازی و سایر گروه‌های افراطی باز می‌کند.

تبعیض اجتماعی

افرادی که لزبین، گی، دوجنس‌گرا و ترانس‌جندر یا دوجنسی (به اختصار دگرباش جنسی) هستند یا بقیه جامعه آنان را چنین می‌پندارند، دچار مشکلات فراوانی در جامعه می‌شوند. آن‌ها را ننگ اجتماعی می‌شناسند. آن‌ها در محل کار، خانه، مدرسه، موسسات بهداشتی و در بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی خود، از محرومیت‌های اجتماعی و تعصب دیگران رنج می‌برند. این افراد ممکن است از کار خود اخراج شوند، از قلدری بقیه در مدرسه آزار ببینند، از درمان پزشکی مناسب محروم شوند، از خانه‌های خود بیرون انداخته شوند یا توسط پدر و مادر خود طرد شوند، به زور در مراکز درمان روانی بستری شوند یا مجبور به ازدواج و حتی بارداری شوند. همچنین ممکن است به خاطر «سوء شهرت‌شان»، در معرض حمله دیگران قرار بگیرند. افراد دوجنسی، از بدو تولد در معرض تبعیض قرار می‌گیرند. بسیاری از نوزادان و کودکان خردسال دوجنسی تحت جراحی و دیگر درمان‌هایی که با هدف حذف خصوصیت‌های دوجنسی‌گونی در آنها است قرار می‌گیرند، بدون آن‌که خود یا پدر و مادرشان آگاهانه بدین امر رضایت دهند.

مسئولیت دولت‌ها

دولت‌ها تعهد قانونی دارند تا اطمینان حاصل کنند که قوانین و سیاست‌های آنان، منجر به تبعیض بر علیه افراد بخاطر گرایش و هویت جنسی نمی‌گردد. بعلاوه ساختارهای قانونی مناسبی برای حفاظت از افراد در برابر تبعیض‌های اعمال شده توسط بخش‌های دیگر جامعه، وجود داشته باشد. این تعهد فراتر از مرزهای فرهنگی، سنتی و مذهبی است. تمامی دولت‌ها، بدون در نظر گرفتن تاریخ گذشته و یا ویژگی‌های منطقه‌ای خود، باید حقوق همه مردم را تضمین کنند. دولت‌هایی که مسئولیت خود در محافظت از حقوق انسانی دگرباشان جنسی را نادیده می‌گیرند، ناقض قوانین بین‌المللی هستند.

در سال‌های اخیر، برخی دولت‌ها تصمیم جدی گرفته‌اند که از حقوق انسانی افراد جامعه دگرباشان جنسی حمایت کنند و این حمایت‌ها را در روندی فزاینده، تقویت کرده‌اند. مجموعه‌ای از قوانین جدید در این کشورها تصویب شده است. از جمله قوانین ضد تبعیض جرم شناختن جنایات برخاسته از تنفر ضد همجنس‌گرایی، قوانین به رسمیت شناختن روابط همجنس‌گرایانه و تسهیل صدور شناسنامه برای افراد تراجنسی که در آن جنسیت مورد نظر خود آنها قید شده باشد.

از اوایل دهه ۱۹۹۰، سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد بارها و بارها نگرانی خود را در مورد شکل‌های مختلف نقض حقوق بشر علیه افراد جامعه دگرباشان جنسی بیان کرده‌اند. این سازوکارها شامل بر نهادهای ناظر بر معاهده‌های بین‌المللی است که بر انطباق قوانین و عملکرد کشورها نسبت به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر نظارت می‌کنند. همچنین گزارشگران ویژه و کارشناسان مستقل که توسط شورای حقوق بشر تعیین شده تا در مورد مشکلات و چالش‌های حقوق بشر تحقیق می‌کنند و در مورد مهمترین مشکلات حقوق بشر گزارش دهند، در زمره این سازوکارها محسوب می‌شوند.

در سال ۲۰۱۰ میلادی، در یک سخنرانی تاریخی با موضوع برابری حقوق افراد جامعه دگرباشان جنسی در شهر نیویورک، بان کی مون دبیر کل سازمان ملل خواستار اقدامات لازم برای مقابله با خشونت و تبعیض علیه تمامی افراد این جامعه شد: «به‌عنوان مردان و زنانی با وجدان، ما تبعیض بر مبنای گرایش و هویت جنسی را بطور کلی رد می‌کنیم. هر گاه بین نگرش‌های فرهنگی با حقوق بشر جهانی تنش ایجاد شود، همواره حقوق بشر است که باید مورد حمایت قرار گیرد.»

دولت‌ها موظف هستند تا:

- از روابط همجنس‌گرایانه افراد بالغ بر اساس رضایت طرفین، جرم‌زدایی کنند.
- قوانین ضد تبعیضی را تصویب و اجرایی کنند که تبعیض بر اساس هویت و گرایش جنسی را در زمینه‌های کارایی، آموزش و پرورش، بهداشت و گرفتن شناسنامه ممنوع کند.
- قوانینی را تصویب و اجرایی کنند که به افراد اجازه قانونی می‌دهد تا هویت جنسی مورد نظر خود را در مدارک قانونی شان قید کنند، بدون اینکه مجبور به عقیم‌سازی، عمل تغییر جنسیت، یا هرگونه فرآیند درمانی مشابه شوند. قانون لزوم عقیم‌سازی افراد تغییر جنسیت داده باید ملغی گردد.
- تضمین کنند که نیروهای انتظامی، کارمندان بخش بهداشت و سلامت، بخش آموزش و پرورش، بخش قوه قضائیه و دیگر بدنه‌های اجرایی و خدماتی کشور آموزش کافی دیده‌اند تا بتوانند با دگرباشان جنسی بگونه‌ای برابر رفتار کنند.
- برنامه‌های ملی را آماده و اجرایی کنند که بر اساس آن‌ها، قوانین ضد تبعیض در تمامی بخش‌های جامعه اجرایی شوند.

رسانه‌ها می‌بایست:

- تصویری متوازن و مبتنی بر واقعیت از دگرباشان جنسی و حقوق آنها ارائه دهند.
- اجازه بیان نقطه نظر افراد و گروه‌های دگرباش جنسی را در روزنامه‌ها، شبکه‌های تلویزیونی یا رادیویی بدهند.

و شما، دوستان شما و افراد دیگر هم می‌توانید باعث ایجاد تفاوت در فرهنگ و نگرش مردم باشید:

- هر گاه شاهد شکلی از تبعیض علیه دگرباشان جنسی بودید با صدایی بلند اعتراض کنید.
- اگر فکر می‌کنید که شما، دوستان یا اعضای خانواده به خاطر هویت یا گرایش جنسی‌تان مورد تبعیض قرار گرفته‌اید، با ارسال یک ایمیل به urgent-action@ohchr.org با بخش روش‌های ویژه حقوق بشر در سازمان ملل متحد مکاتبه کرده و این موضوع را به آنها اطلاع دهید.
- این فرض اشتباه است که همه افراد جامعه دگرجنس‌گرا هستند: به جای آن که از مردها پرسید زن دارند یا از زن‌ها پرسید شوهر دارند، از آن‌ها پرسید «همسر» دارند یا نه.
- فرض نکنید تمامی افراد تراجنسی یا دوجنسی، همجنس‌گرا هستند - آن‌ها می‌توانند دگرجنس‌گرا یا دوجنس‌گرا هم باشند.

حقوق بشر چیست؟

در سطح داخلی کشورها کمک خواهد کرد. در سطح بین‌المللی، این سازوکارها عبارتند از نهادهای نظارت بر معاهده‌ها، کمیته‌های تخصصی که بموجب معاهدات برپا شده و وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات معاهده را بر عهده دارند و همچنین گزارشگران ویژه و دیگر کارشناسان مستقلی که توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای تحقیق و گزارش در مورد چالش‌های منطقه‌ای حقوق بشر تعیین می‌شوند.

آیا اعمال تبعیض بر افراد گی، لزبین، دوجنس‌گرا، تراجنسی یا دوجنسی (دگرباشان جنسی)، قانونی است؟

خیر. حق برابری و رهایی از تبعیض از اصول اساسی حقوق بشر است و این حق در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و معاهدات حقوق بشر درج شده است. کلمات آغازین اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌شکلی صریح می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.» حق برابری و رهایی از تبعیض ارائه شده توسط قوانین بین‌المللی حقوق بشر برای همه مردم، بدون در نظر گرفتن جنس، گرایش و هویت جنسی یا «وضعیت‌های دیگر» آنان تضمین شده است. هیچ زیرنویس یا هیچ بند معافیت مخفیانه‌ای در هیچ‌کدام از معاهدات حقوق بشر موجود نیست که به واسطه آن یک دولت بتواند تا حقوق کامل برخی را رعایت کند اما صرفاً بر پایه گرایش و هویت جنسی افراد، از اعطاء حقوق به بقیه افراد خودداری ورزد.

علاوه بر این، نهادهای ناظر بر معاهده حقوق بشر سازمان ملل متحد تایید کرده‌اند که گرایش و هویت جنسی جزو موارد ذکر شده در قوانین بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود و تبعیض نهادن بر اساس آن‌ها ممنوع است. یعنی هرگونه تمایز و تبعیض در حقوق مردم بر اساس این واقعیت که آن‌ها دگرباش جنسی هستند، غیر قانونی است، همان‌طوری که تبعیض به علت رنگ پوست، نژاد، جنسیت، دین و یا هر وضعیت دیگری غیر قانونی است. این قضیه بارها و بارها در تصمیم‌گیری و راهنمایی‌های عمومی، توسط نهادهای معاهده، مانند کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق کودک، کمیته مبارزه با شکنجه و کمیته رفع تبعیض علیه زنان تایید شده است.

برخی از شایع‌ترین گونه‌های نقض حقوق بشر دگرباشان جنسی چیست؟

دفتر حقوق بشر سازمان ملل، طیف گسترده‌ای از نقض حقوق بشر علیه افراد صرفاً بر اساس گرایش و هویت جنسی آنان را ثبت کرده است.

حقوق بشر، حقوق ذاتی تمامی انسان‌ها است. تمامی ما انسان‌ها به یک اندازه و رها از هرگونه تبعیض باید از حقوق انسانی برخوردار باشیم؛ صرف‌نظر از ملیت، محل اقامت، جنسیت، خاستگاه ملی یا قومی، رنگ، مذهب، زبان و یا هرگونه وضعیت دیگرمان، از جمله سن، معلولیت، وضعیت سلامت، گرایش یا هویت جنسی. این حقوق، خواه حقوق مدنی و سیاسی باشند (مانند حق زندگی، برابری در مقابل قانون و آزادی بیان) و یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشند (مانند حق کار، داشتن امنیت اجتماعی و آموزش و پرورش) حقوقی جهان‌شمول، جدایی‌ناپذیر و مرتبط با یکدیگرند.

حقوق بشر، اولین بار در پاسخ به جنایات صورت گرفته در جنگ جهانی دوم، در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) بیان شد. مقررات جهانی حقوق بشر اغلب توسط قانون، در شکل‌هایی مانند معاهده‌ها، قوانین بین‌المللی، اصول کلی و دیگر منابع حقوق بین‌الملل بیان و تضمین شده است. قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا بر اساس ضوابط مشخصی عمل کنند و یا از برخی اعمال مشخص خودداری ورزند تا حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی افراد و گروه‌ها، ترویج و حفاظت گردد.

با عضو شدن در معاهدات بین‌المللی، دولت‌ها متعهد به اجرای مسئولیت‌ها و وظایفی می‌گردند که مطابق آن باید حقوق انسانی افراد مورد احترام قرار گیرد، از این حقوق حمایت گردد و این حقوق احقاق گردد. تعهد به محترم شمردن حقوق بشر بدان معنی است که دولت‌ها بایستی از مداخله در حقوق بشر و یا محدود ساختن بهره‌مندی افراد از حقوق انسانی خود پرهیز کنند. تعهد دولت‌ها به حفاظت از حقوق بشر آنان را متعهد می‌سازد تا از افراد و گروه‌ها در برابر نقض این حقوق توسط اشخاص ثالث مراقبت کنند. تحقق حقوق بشر افراد بدین معنا است که دولت‌ها باید گام‌های اجرایی مثبتی بردارند تا تمامی افراد بتوانند از حقوق اساسی و انسانی خود به‌شکلی کامل بهره‌مند شوند.

قوانین بین‌المللی حقوق بشر چیست؟

قوانین بین‌المللی حقوق بشر، تعهداتی را که کشورها ملزم به رعایت آن هستند مشخص می‌کنند. با تصویب معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها متعهد به تصویب قوانین و نیز اتخاذ یک سری اقدامات داخلی می‌گردند که با تعهدات و وظایف آنها، آنگونه که در معاهده ذکر شده است، منطبق باشد. در صورتی که روند قانونی در یک کشور نتواند سوء رفتارها در زمینه حقوق بشر را دادرسی کند، سیستم‌ها و روندهایی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شده است که می‌تواند به شکایات و اظهارات افراد رسیدگی کند. وجود این سازوکارها به اطمینان خاطر از بابت احترام کامل و اجرای استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر

این موارد شامل می‌شوند بر:

- حمله خشونت‌بار، اعم از حمله شدید کلامی و بی‌احترامی لفظی، قلدری و آزار روانی، ضرب‌وشتم فیزیکی، شکنجه، آدم‌ربایی و قتل‌های از قبل برنامه‌ریزی شده.
- قوانین کیفی تبعیض‌آمیز که اغلب برای آزار و اذیت و مجازات دگرباشان جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جمله قوانینی که روابط جنسی مبتنی بر رضایت طرفین را جرم تلقی کرده و از این‌رو ناقض حق حریم خصوصی افراد و حق‌رهایی آنان از تبعیض است.
- ایجاد محدودیت‌های تبعیض‌آمیز در زمینه آزادی بیان و ایجاد محدودیت‌های مشابه در زمینه حق تشکیل آزادانه مجامع و تجمعات مسالمت‌آمیز و نیز قانون ممنوعیت انتشار مطالب مربوط به همجنس‌گرایی که به بهانه محدود ساختن «تبلیغ» دگرباشی جنسی صورت گیرد.
- رفتار تبعیض‌آمیز که می‌تواند در مکان‌های گوناگونی رخ دهد، از جمله در محل کار، مدارس، خانه، خانواده و بیمارستان. در صورت عدم وجود قوانین ملی منع تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی، چنین رفتارهای تبعیض‌آمیزی بی‌وقفه ادامه می‌یابد و راهی برای دادخواهی کسانی که از این اقدامات متضرر می‌شوند باقی نخواهد ماند. در این شرایط، عدم به رسمیت شناختن روابط همجنس‌گرایانه یا عدم به رسمیت شناختن هویت جنسی افراد، می‌تواند تأثیری تبعیض‌آمیز بر زندگی بسیاری از دگرباشان جنسی داشته باشد.

مجمع عمومی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد این موضوع چه گفته‌اند؟

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها، از دولت‌ها می‌خواهد که حق حیات همه افرادی را که در حوزه قدرت آنها حضور دارند تضمین کرده و نیز بطور کامل و در اسرع وقت همه پرونده‌های قتل، از جمله قتل‌های انجام گرفته به خاطر گرایش یا هویت جنسی افراد را مورد رسیدگی قرار دهند. (به عنوان مثال، قطعنامه A/RES/67/168 را بخوانید.)

در ژوئن ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، به عنوان اولین نهاد بین‌دولتی سازمان ملل متحد، قطعنامه مفصلی را در خصوص حقوق بشر، گرایش و هویت جنسی به تصویب رساند. قطعنامه شماره ۱۷/۱۹ این شورا، «نگرانی شدید» شورا را در مورد خشونت و تبعیض علیه افراد به خاطر گرایش و هویت جنسی آنان بیان کرده و همچنین خواستار انجام تحقیقاتی در زمینه ابعاد و دامنه این خشونت‌ها و تبعیض‌ها و نیز اقدامات لازم جهت مقابله با آنها گردید.

این پژوهش توسط دفتر کمیسر عالی حقوق بشر در دسامبر ۲۰۱۱ تدوین و منتشر شد. در این کار تحقیقی، خشونت و تبعیض مستمر و دائم علیه افراد به دلیل گرایش و هویت جنسی آنان مورد بررسی قرار گرفت. بر پایه یافته‌ها و

توصیه‌های این پژوهش، میزگردی در محل شورا در ماه مارس ۲۰۱۲ برپا شد که در آن برای نخستین بار در سازمان ملل، یک بحث بین‌دولتی رسمی در مورد این موضوع صورت گرفت.

قوانین بین‌المللی از دولت‌ها می‌خواهد چه گام‌های عملی به منظور حفاظت از حقوق دگرباشان جنسی بردارند؟

تعهد اصلی دولت‌ها در زمینه احترام به حقوق بشر دگرباشان جنسی، شامل بر تعهد نسبت به این موارد می‌شود:

- حفاظت از افراد در مقابل خشونت همجنس‌گراهراسی و تراجنس‌هراسی و جلوگیری و منع شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و اهانت‌آمیز علیه این افراد. تصویب قوانینی علیه «جنایت با انگیزه تنفر» که مانع از خشونت تنفرآمیز علیه افراد به خاطر گرایش جنسی‌شان بشود، ایجاد ساختارهای کارآمد برای ثبت و گزارش خشونت‌هایی که با انگیزه نفرت علیه این افراد صورت می‌گیرد؛ از جمله تحقیق موثر در مورد این اعمال و تعقیب قانونی مجرمان و اجرای عدالت در مورد آنها. همچنین آموزش درجه‌داران نیروی انتظامی، نظارت بر بازداشتگاه‌ها و ایجاد سیستمی که بتواند به مشکلات قربانیان رسیدگی کند. علاوه بر این، تصویب قوانین و سیاست‌های مربوط به پناهندگی باید این موضوع را به رسمیت بشناسد که مورد اذیت و آزار واقع شدن بخاطر گرایش جنسی می‌تواند دلیل موجهی برای درخواست پناهندگی باشد.
- لغو قوانینی که همجنس‌گرایی را جرم می‌شناسد، خصوصا تمام قوانینی که رفتار جنسی مبتنی بر رضایت افراد بزرگسال را در حریم خصوصی آنان جرم تلقی می‌کند. همچنین تضمین شود که افراد به خاطر هویت و گرایش جنسی خود بازداشت و یا زندانی نشده و به هیچ وجه مورد آزمایش‌های پزشکی خفت‌باری که برای تعیین گرایش جنسی آنها انجام می‌شود، قرار نگیرند.
- منع تبعیض به خاطر گرایش و هویت جنسی افراد. تصویب قوانینی که تبعیض به خاطر گرایش و هویت جنسی را ممنوع اعلام می‌کند. برگزاری دوره‌های آموزشی برای مبارزه با تبعیض و مقابله با ننگ‌انگاری دگرباشان جنسی.
- حفاظت از آزادی بیان، حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز برای تمامی دگرباشان جنسی. همچنین اطمینان از اینکه هیچگونه محدودیتی در زمینه این حقوق (حتی در مواقعی که چنین اعمال محدودیت‌هایی با نیتی مشروع، معقول و متناسب صورت می‌گیرد) بصورت تبعیض‌آمیز و صرفا بر پایه گرایش و هویت جنسی افراد اعمال نخواهد شد. گسترش فرهنگ برابری و تنوع در جامعه به گونه‌ای که احترام به حقوق دگرباشان جنسی را نیز شامل شود.

شناسایی می‌شوند، اما در هنگام تولد به عنوان زن طبقه‌بندی می‌شوند. برخی از تراجنسی‌ها به دنبال عمل جراحی تغییر جنسیت و یا هورمون‌درمانی برای رسیدن به هویت جنسی واقعی خود می‌روند و برخی دیگر نه.

دوجنسی کیست؟

یک فرد دوجنسی (یا میان‌جنسی) کسی است که با ساختار جنسی، اندام‌های تناسلی و یا الگوهای کروموزومی متفاوت با زنان یا مردان معمولی به دنیا می‌آید. این قضیه ممکن است در زمان تولد و یا بعدها در زندگی فرد آشکار شود. فرد دوجنسی ممکن است به عنوان مرد یا زن و یا هیچ‌کدام خود را شناسایی و معرفی کند. موضوع دوجنسی بودن مربوط به گرایش یا هویت جنسی نیست؛ افراد دوجنسی، گرایش و هویت جنسی مشابه‌ای را مثل دیگران تجربه می‌کنند.

همجنس‌گراستیزی و تراجنسی‌ستیزی چیست؟

همجنس‌گراستیزی (هوموفوبیا) یک ترس غیرمنطقی، نفرت یا بیزاری نسبت به افراد همجنس‌گرا یا دوجنس‌گرا است. تراجنسی‌ستیزی نیز ترس غیرمنطقی، نفرت یا بیزاری نسبت به افراد تراجنسی است. از آنجا که اصطلاح هوموفوبیا به طور گسترده‌ای شناخته شده است، اغلب بصورت همه‌جانبه برای اشاره به ترس، تنفر و بیزاری نسبت به دگرباشان جنسی استفاده می‌شود.

دگرباشان جنسی در معرض چه نوع از نقض حقوق بشر هستند؟

دگرباشان جنسی در تمام سنین و در تمام نقاط جهان، از نقض حقوق بشر خود رنج می‌برند. آنها مورد حمله فیزیکی قرار می‌گیرند، ربوده می‌شوند، مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند و به قتل می‌رسند. در بیش از یک سوم از کشورهای جهان، مردم ممکن است برای داشتن روابط خصوصی و همجنس‌خواهانه‌ی مبتنی بر رضایت طرفین، دستگیر و زندانی (و حداقل در پنج کشور اعدام) شوند. دولت‌ها غالباً به اندازه کافی از دگرباشان جنسی در مقابل رفتارهای تبعیض‌آمیز در حوزه زندگی خصوصی، از جمله در عرصه کاریابی، یافتن مسکن و دسترسی به خدمات بهداشتی حمایت نمی‌کنند. کودکان و نوجوانان دگرباش در مدرسه با قلدری مواجه می‌شوند و ممکن است توسط پدر و مادر خود از خانه بیرون انداخته شوند و یا بالاجبار به تیمارستان ارجاع داده شوند و یا مجبور به ازدواج شوند. به افراد تراجنسی غالباً کارت شناسایی رسمی که منعکس‌کننده جنس مورد نظر این افراد است داده نمی‌شود، و این افراد بخاطر نداشتن اوراق هویت قادر نیستند کار کنند، سفر بروند، حساب بانکی باز کنند و یا به خدمات عمومی دسترسی پیدا نمایند. کودکان دوجنسی ممکن است در معرض جراحی و سایر اقدامات، بدون رضایت خود و یا اغلب بدون رضایت آگاهانه پدر و مادر خود، قرار گیرند و در بزرگسالی ممکن است در معرض خطر خشونت و تبعیض قرار گیرند.

معنی «دگرباش جنسی» چیست؟

ال‌جی‌بی‌تی در زبان انگلیسی مخفف کلمات «لزبین، گی، دوجنس‌گرا و تراجنسی» است (که در زبان فارسی از معادل دگرباش جنسی برای آن استفاده می‌شود). اگرچه این کلمات در سطح جهانی با همین معنا استفاده می‌شوند، ولی در فرهنگ‌های مختلف شرایط متفاوت بوده و ممکن است برای توصیف افرادی که روابط همجنس‌خواهانه دارند و یا هویت جنسی خارج از توصیف زن و مرد دارند، واژه‌های دیگری استفاده شود. (مانند: hijra, meti, lala, skesana, motsoalle, mithli, kuchu, kawein, travesty, muxé, fa'afafine, fakaleiti, hamjensgara, Two-Spirit) همه دگرباشان جنسی در زمینه حقوق بشر با چالش‌های مشترک و در عین حال مجزا روبرو هستند. افراد دوجنسی (کسانی که با ویژگی‌های جنسی غیرمعمول به دنیا می‌آیند) بسیاری از انواع نقض حقوق بشر را که دگرباشان جنسی نیز با آن روبرو هستند، تحمل می‌کنند که در ادامه مطلب در مورد آن می‌خوانید.

«گرایش جنسی» چیست؟

گرایش جنسی به جاذبه جسمانی، عاشقانه و یا عاطفی یک فرد نسبت به دیگران، اشاره دارد. هر کسی دارای گرایش جنسی است که از هویت او جدایی‌ناپذیر است. مردان و زنان همجنس‌گرا به جنس موافق خود جذب می‌شوند. افراد دگرجنس‌گراها (که گاهی اوقات با عنوان «استریت» شناخته می‌شوند) به جنس مخالف خود جذب می‌شوند. افراد دوجنس‌گرا ممکن است به همجنس و یا جنس مخالف خود جذب شوند. گرایش جنسی جدایی از هویت جنسی افراد است.

«هویت جنسی» چیست؟

هویت جنسی، احساس عمیق و خصوصی فرد در مورد جنسیت خویش است. هویت جنسی فرد به طور معمول مطابق با آن چیزی است که هنگام تولد به او اختصاص داده می‌شود. افراد تراجنسی، بین جنس واقعی خود و جنسیت داده شده به آنها در هنگام تولد، احساس تناقض می‌کنند. در برخی موارد، ظاهر، رفتار و ویژگی‌های خارجی این افراد ممکن است با انتظارات جامعه از رفتار هنجاری آن جنسیت، تضاد داشته باشد.

تراجنسی به چه معناست؟

تراجنسی (یا با به طور مخفف «ترنس») اصطلاحی است که برای توصیف طیف گسترده‌ای از هویت‌های جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرد: از جمله ترنس‌سکشوال‌ها، دوگانه‌پوش‌ها (گاهی اوقات «دگرباش» هم نامیده می‌شوند)، افرادی که به عنوان جنس سوم شناسایی می‌شوند و کسانی که به عنوان جنسیت غیرمعمول تصور می‌شوند. زنان تراجنسی به عنوان زن شناسایی می‌شوند، اما در هنگام تولد در دسته مردان جای داده می‌شوند. مردان تراجنسی نیز به عنوان مرد

آیا دلیلی برای جرم شناختن همجنس‌گرایی وجود دارد؟

خیر. جرم انگاشتن روابط جنسی خصوصی که بین افراد بزرگسال و با رضایت طرفین صورت بگیرد، خواه این روابط با جنس موافق یا مخالف باشد، نقض حق حریم خصوصی افراد است. قوانینی که روابط همجنس‌خواهانه‌ی از روی اختیار را جرم می‌شمارد، هم تبعیض‌آمیز بوده و هم ناقض ممنوعیت توقیف و حبس خودسرانه می‌باشد. حداقل در ۷۶ کشور جهان، قوانینی اجرا می‌شود که به موجب آن، روابط خصوصی و همجنس‌خواهانه‌ی مبتنی بر رضایت طرفین جرم تلقی می‌گردد. حداقل در پنج کشور محکومیت به این جرم ممکن است مجازات اعدام به همراه داشته باشد. مجرم پنداشتن دگرباشان جنسی علاوه بر اینکه ناقض حقوق اساسی این افراد است، باعث مشروعیت بخشیدن به نگرش خصمانه نسبت به این گروه شده که این امر خود دست‌مایه‌ای برای بروز خشونت و تبعیض را فراهم می‌آورد. این موضوع همچنین موجب اخلال در تلاش‌هایی می‌گردد که با هدف جلوگیری از گسترش اچ‌آی‌وی / ایدز انجام می‌شود؛ بدین صورت که دگرباشان جنسی از ترس اینکه مجرم تلقی شوند، از پا پیش نهادن برای آزمایش و درمان این بیماری منصرف می‌شوند.

آیا دگرباشان جنسی تنها در کشورهای غربی حضور دارند؟

خیر. دگرباشان جنسی در همه جا، در همه کشورها، در میان تمام گروه‌های قومی، در تمام سطوح اجتماعی و اقتصادی و در تمام جوامع وجود دارند. این ادعا که: تمایلات همجنس‌خواهانه سنتی غربی است، اشتباه است. با این حال، بسیاری از قوانین کیفری که امروزه برای مجازات دگرباشان جنسی استفاده می‌شود، خاستگاه غربی دارند. در اکثر موارد، این قوانین توسط قدرت‌های استعماری وقت، در قرن نوزدهم اعمال شده‌اند.

آیا دگرباشان جنسی همیشه وجود داشته‌اند؟

بله. دگرباشان جنسی همواره بخشی از جوامع ما بوده‌اند. نمونه‌هایی از هر محل و زمان و هر دوره‌ای وجود دارد، مانند نقوش سنگی ماقبل تاریخ در آفریقای جنوبی و مصر، متون پزشکی هند باستان و ادبیات اولیه عهد عثمانی. بسیاری از جوامع به طور سنتی با دگرباشان جنسی مشکلی نداشته‌اند، از جمله چندین مورد از جوامع آسیایی که به طور سنتی جنس سوم در آنها به رسمیت شناخته می‌شده است.

آیا می‌توان گرایش و هویت جنسی فرد را تغییر داد؟

خیر. گرایش جنسی فرد و یا هویت جنسی را نمی‌تواند تغییر داد. چیزی که باید تغییر کند، نگرش منفی اجتماعی است که نسبت به دگرباشان جنسی وجود دارد که باعث ایجاد خشونت و تبعیض علیه آنها می‌شود. تلاش برای تغییر گرایش جنسی یک فرد، اغلب ناقض حقوق بشر است و می‌تواند باعث صدمات شدید به او شود. نمونه‌های این اقدامات ناقض حقوق بشر عبارتند از روش‌های روان‌درمانی اجباری که به قصد به اصطلاح «درمان» کشش جنسی همجنس‌خواهانه‌ی افراد انجام می‌شود و همچنین تجاوز جنسی به لزیب‌ها که از آن به عنوان تجاوز «اصلاحی» یاد شده و قصد آن این است که آنها را «دوباره دگرجنس‌گرا کنند».

آیا دوستی با دگرباشان و یا داشتن دسترسی به اطلاعات درباره دگرباشان جنسی، سلامت کودکان را به خطر می‌اندازد؟

خیر. یادگیری یا صرف وقت با افرادی که دگرباش جنسی هستند، در گرایش یا هویت جنسی افراد زیر سن قانونی تأثیری نداشته و به تندرستی و سلامت آنها آسیبی نمی‌زند. در عوض، دسترسی به آموزش جنسی متناسب با سن جوانان بسیار حیاتی خواهد بود، برای اطمینان از اینکه آنها روابط سالم و قابل احترام فیزیکی داشته و خود را از عفونت‌های مقاربتی محافظت کنند. محرومیت از این نوع از اطلاعات می‌تواند باعث ایجاد احساس انزوا و افسردگی در جوانان دگرباش شده و برخی از آنها را مجبور به رها کردن مدرسه و در مقیاس بالاتر، مجبور به خودکشی کند.

آیا دگرباشان جنسی برای کودکان خطرناک هستند؟

خیر. هیچ ارتباطی بین همجنس‌گرایی و کودک‌آزاری از هر نوعی وجود ندارد. دگرباشان جنسی در سراسر جهان می‌توانند پدر و مادر خوب، معلمان و مدل رفتاری برای جوانان باشند. به تصویر کشیدن دگرباشان جنسی به عنوان «بچه‌باز» و یا افراد خطرناک برای کودکان کاملاً نادرست و توهین‌آمیز بوده و به منظور طفره رفتن از لزوم اتخاذ اقدامات جدی و مناسب جهت حفاظت از همه کودکان، از جمله آنهایی که در حال کشف هویت و گرایش جنسی خود هستند، صورت می‌گیرد.

آیا قوانین بین‌المللی حقوق بشر شامل دگرباشان جنسی نیز می‌شود؟

بله. این قوانین شامل تمامی افراد می‌شود. قوانین بین‌المللی حقوق بشر دولت‌ها را ملزم ساخته است تا برخورداری همه افراد را از حقوق بشر خود، بدون هیچ تمایزی، تضمین کنند. گرایش و هویت جنسی، همانند نژاد، جنس، رنگ و یا مذهب افراد، تنها نشان‌دهنده موقعیت و حالت فرد است. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل تأیید دارند که مطابق قوانین بین‌المللی، اعمال تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی ممنوع است.

آیا محروم کردن دگرباشان جنسی از حقوق انسانی‌شان به خاطر ملاحظات مذهبی، فرهنگی و سنتی قابل توجیه است؟

خیر. حقوق بشر جهانی است: همه انسان‌ها، صرف‌نظر از اینکه چه کسانی هستند و یا کجا زندگی می‌کنند، از این حقوق برخوردار هستند. در حالی که تاریخ، فرهنگ و مذهب به نوبه خود مهم‌اند، همه دولت‌ها، صرف‌نظر از سازوکارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، وظیفه قانونی دارند تا حقوق بشر را برای همگان ارتقا دهند و حامی آن باشند.